



سه اصلاح ساختاری برای تغییر مسیر رشد اقتصادی بلندمدت اقتصاد ایران

(بر اساس گزارش بانک جهانی)

با نظر گرفتن تداوم وضع موجود، رشد اقتصاد ایران در میان مدت، حدود ۴ درصد در سال برآورد می‌شود. این در حالی است که عملکرد اقتصاد ایران در سال ۲۰۱۶ به خاطر بهبود در بخش نفت، بیش از مقدار پیش بینی شده بود. رشد اقتصادی ۶.۴ درصدی در این سال عمدتاً به دلیل بهبود در تولید نفت و به ویژه صادرات آن، علی‌رغم کاهش بهای نفت بود.

اما رشد میان مدت اقتصاد کشور کمی ضعیف‌تر پیش‌بینی شود. وجود ابهاماتی در خصوص الحاق مجدد ایران به نظام بانکی بین‌المللی و اقتصاد بین‌المللی، موجب محدود شدن سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی و به تبع آن رشد اقتصادی خواهد شد.

با کم اثر شدن نقش بخش نفت، رشد اقتصادی در سال ۲۰۱۷ به ۴ درصد خواهد رسید که ناشی از افزایش تشکیل سرمایه ثابت ناخالص پس از استمرار کاهش آن در دو سال قبل است (پیوست ۱). انتظار می‌رود که اقتصاد ایران در سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ به ترتیب ۴.۱ درصد و ۴.۲ درصد رشد کند. این پیش‌بینی با این فرض است که برخی موافقت‌نامه‌های میان ایران و شرکت‌های بزرگ خارجی در زمینه نفت و گاز و سایر بخش‌های مهم به مرحله اجرا برسد.

این چشم انداز دارای چندین ریسک عمده است. ریسک مهم در آینده نزدیک، وجود ابهام سیاسی مربوط به اجرای کامل برجام و احتمال وضع تحریم‌های تازه است. این‌ها عواملی هستند که بر اعتماد مصرف‌کنندگان و سرمایه‌گذاران تاثیر می‌گذارند و می‌توانند مصرف و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی را تضعیف کنند. در چنین حالتی، رشد تولید ناخالص داخلی ممکن است به کمتر از ۳ درصد در سال محدود گردد. علاوه بر این کاهش بهای نفت به سطحی پایین‌تر از مقدار پیش‌بینی شده، می‌تواند بر عواید دولت فشار وارد کرده و رشد را محدود کند.

یکی دیگر از چالش اصلی اقتصاد کشور در آینده، هدایت "عواید نفتی" است به نحوی که جمعیت بیشتری از آن منتفع شوند. به منظور حداکثر کردن بازده عواید حاصل از نفت، مدیریت موثر آن در قالب صندوق ثروت ملی ضرورت دارد تا از این طریق پایداری بودجه‌ای تضمین گردد و با چالش‌های توسعه کشور برخورد مقتضی صورت بگیرد. به علاوه، تداوم اصلاحات ساختاری که به تقویت بخش غیرنفتی کمک می‌کند، یکی از اولویت‌های کلیدی است. نیاز است این اصلاحات با الحاق بخش بانکی به بقیه جهان و بهبود مناسبات تجاری تقویت گردند. این امر برای ایجاد شغل به ویژه برای جوانان و جمعیت تحصیل کرده، ضرورت دارد.

حفظ روند کاهشی تورم نیز می‌تواند چالش‌برانگیز باشد. متعاقب کاهش قابل ملاحظه شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در دو سال گذشته، فشارهای تورمی با افزایش بهای مواد غذایی و مسکن بروز و ظهور کرده‌اند. مطابق سناریوی اصلی، پیش‌بینی می‌شود که تورم در ۲۰۱۷ اندکی زیر ۱۱ درصد باشد و در سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ به ترتیب به ۱۰.۲ درصد و ۹.۶ درصد محدود شود. در نتیجه، تداوم سیاست پولی و مالی انقباضی برای کنترل تورم اهمیت زیادی دارد.



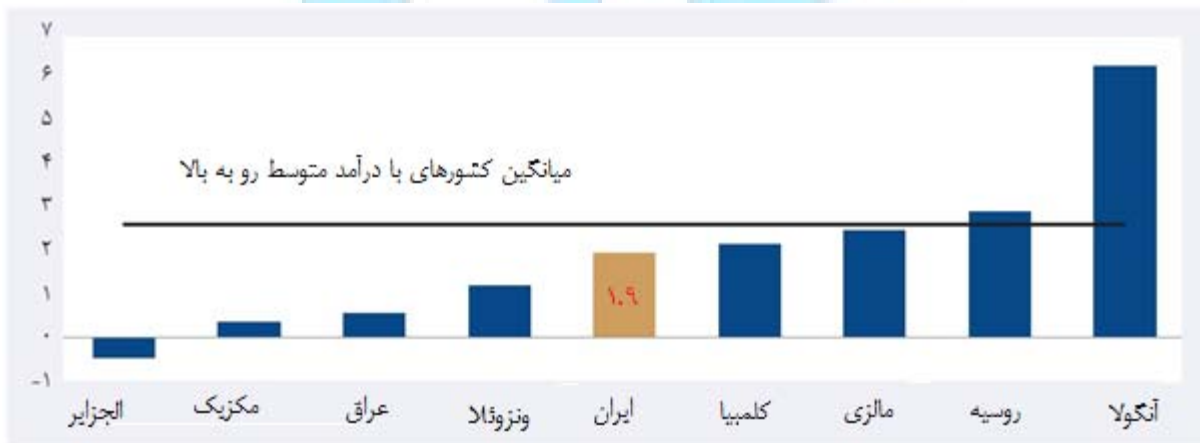
سه سناریو برای چشم انداز رشد بلندمدت اقتصاد ایران

چشم انداز رشد بلندمدت ایران بیشتر وابسته به آن است که منابع کشور، به جز نفت، با چه کارایی مورد بهره‌برداری قرار گیرد. با توجه به این که سطح تولید نفت به سطح قبل از تحریم‌ها نزدیک می‌شود، بعید به نظر می‌رسد که دیگر بخش نفت تأثیر عمده‌ای در رشد اقتصاد داشته باشد. به جای آن، نیاز است که کشور به سایر منابع فراوان نیروی کار تحصیل کرده خود متکی شده و بر افزایش بهره‌وری تمرکز کند.

ایران از نظر بهره‌وری و استفاده از نیروی کار، عقب تر از کشورهای مشابه است. تجزیه و تحلیل‌های مقدماتی در خصوص شبیه‌سازی‌های رشد بلندمدت، ایران را با مجموعه‌ای از معیارها بر حسب کارایی تولید مورد ارزیابی قرار می‌دهند. گروه کشورهای مشابه، آن دسته کشورهای هستند که صادرکننده نفت‌اند، درآمدشان بالای متوسط و جمعیت بالای ۲۰ میلیون نفر دارند.

نرخ رشد بهره‌وری نیروی کار (تولید ناخالص داخلی به ازای هر کارگر) در ایران در دوره ۱۴-۲۰۰۵ از میانگین آن در کشورهای با درآمد بالای متوسط، کمتر است (شکل ۱).

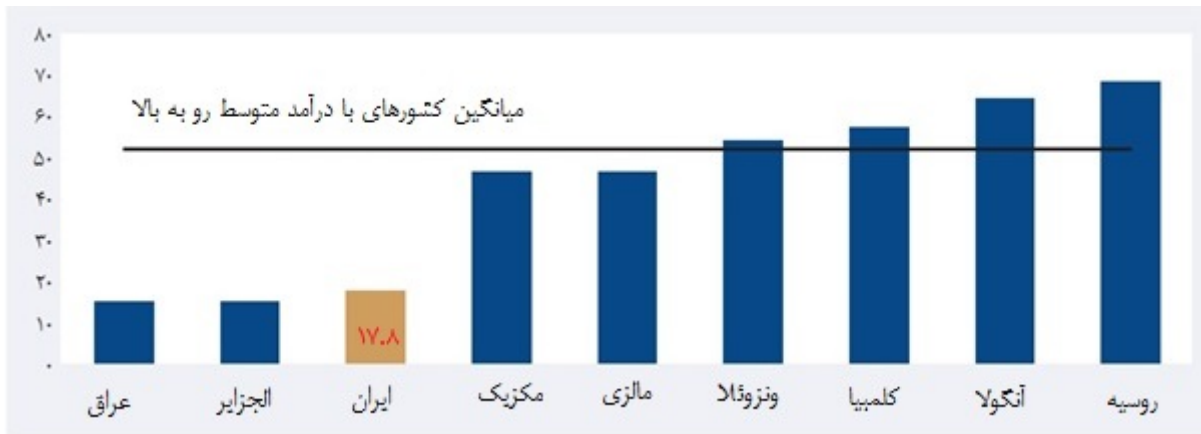
شکل ۱: نرخ رشد بهره‌وری نیروی کار (بر حسب قدرت خرید دلار سال ۲۰۱۱)، (۲۰۱۵-۲۰۰۵).



منبع: World bank

تفاوت چشم‌گیرتر میان ایران با گروه کشورهای مشابه، مربوط به سطح مشارکت زنان در نیروی کار است. ایران با نرخ ۱۷.۸ درصدی مشارکت زنان در نیروی کار، جزو معدود کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا است که پایین‌ترین نرخ رشد مشارکت زنان در نیروی کار را دارند (شکل ۲).

شکل ۲: مشارکت زنان در نیروی کار (درصد تعداد زنان ۶۴-۱۵ ساله)، (۲۰۱۵-۲۰۰۵).



منبع: World bank

شبیه سازی‌ها برای مسیر رشد بلندمدت ایران نشان می‌دهد که پتانسیل فراوانی برای پیشتازی وجود دارد. به منظور سنجش اثر نوسانات سه متغیر کلیدی بر روی سرانه تولید ناخالص داخلی ایران تا سال ۲۰۳۰، سه سناریوی مختلف در نظر گرفته شده است. در این سناریوها سه حالت ادامه وضع موجود، عملکرد کشورهای مشابه و وضعیت خیز^۱ بررسی شده‌اند.

سه متغیر مورد نظر عبارتند از: نسبت سرمایه‌گذاری به تولید ناخالص داخلی، رشد بهره‌وری کل عوامل تولید و مشارکت زنان در نیروی کار. این سه متغیر زمانی که تحت تکانه‌های برونزا واقع می‌شوند، بیشترین تأثیر پذیری را از اصلاحات اقتصادی ایران می‌گیرند.

در سناریو وضع موجود فرض بر این است که همه متغیرها در سطح متوسط دوره ۱۴-۲۰۰۵ ثابت بمانند. سناریو عملکرد کشورهای مشابه مبتنی بر متوسط عملکرد برخی کشورهای منتخب (الجزایر، آنگولا، کلمبیا، عراق، مالزی، مراکش، روسیه و ونزوئلا) است.

در سناریوی وضعیت خیز، فرض می‌شود که اصلاحات گسترده‌ای در ایران صورت می‌گیرد. فرض می‌شود که سرمایه‌گذاری از ۲۶ درصد تولید ناخالص داخلی به ۳۵ درصد افزایش یابد. در این سناریو مشارکت زنان در نیروی کار از ۱۷ درصد به ۵۷ درصد و رشد بهره‌وری کل عوامل تولید به ۱.۱ درصد خواهد رسید که بالاترین میزان در مجموعه کشورهای مشابه محسوب می‌گردد (جدول ۱).

^۱ Take-off



معاونت بررسی های اقتصادی

جدول ۱: فروض مربوط به شبیه سازی های رشد بلندمدت، ارقام سال ۲۰۳۰.

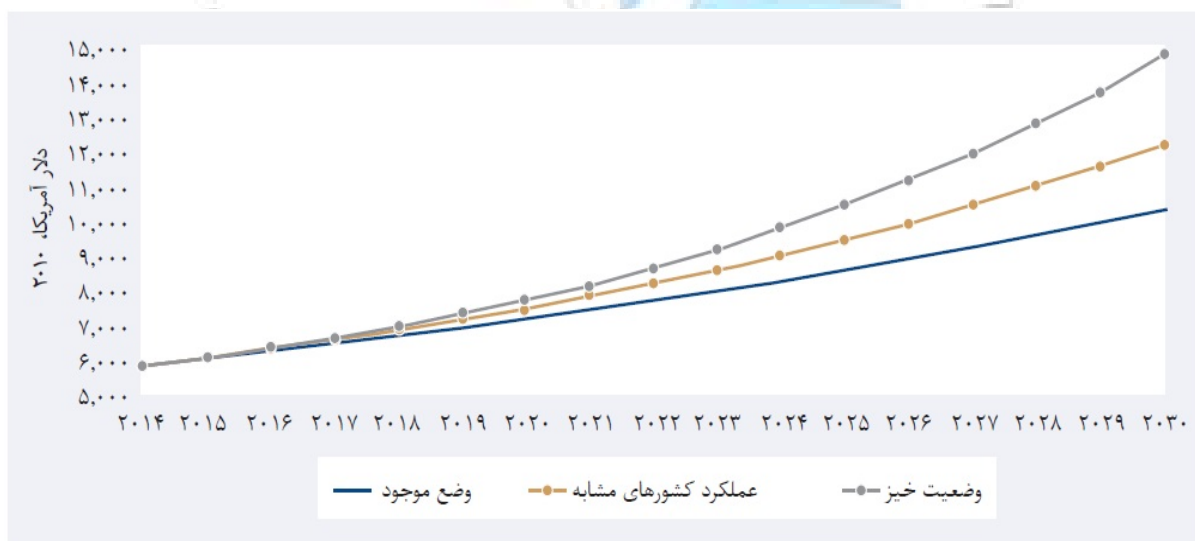
وضعیت خیز	عملکرد کشورهای مشابه	وضع موجود	سرمايه گذاري (درصد از توليد ناخالص داخلي)
۳۵٪	۲۶٪	۲۶٪	
۵۷٪	۴۶/۹٪	۱۷/۷٪	نرخ مشارکت زنان در نیروی کار
۱/۱٪	۰/۹٪	۰/۳٪	نرخ رشد بهره وری عوامل تولید

منبع: World bank

این سناریوها حکایت از آن دارند که اقتصاد ایران، پتانسیل لازم برای جهش به رشد بالاتر را دارد (شکل ۳). هرگاه فرض شود که نرخ مشارکت زنان ایران به ۴۷ درصد و نرخ بهره‌وری کل عوامل تولید به ۰.۹ برسد (مانند عملکرد کشورهای مشابه)، سرانه تولید ناخالص داخلی ایران ظرف ۱۵ سال آینده قریب به دو هزار دلار بیشتر از سناریو وضع موجود خواهد بود و به عبارتی دیگر بعد از ۱۵ سال سرانه تولید ناخالص داخلی ایران به رقم مشابه سال ۲۰۱۶ برخی از کشورهای در حال توسعه و آفریقایی از جمله آفریقای جنوبی، گابن، مالدیو، سورینام و کلمبیا خواهد رسید.

نکته قابل توجه‌تر این است که هرگاه هر سه متغیر مورد اشاره در بالاترین سطحی باشند که در کشورهای منتخب مشاهده شده، سرانه تولید ناخالص داخلی حقیقی ایران در سال ۲۰۳۰، ۴۰ درصد بیشتر از سناریوی وضع موجود خواهد بود.

شکل ۳: شبیه سازی های مربوط به مسیر رشد بلندمدت سرانه تولید ناخالص داخلی تحت سه سناریو در نظر گرفته شده.



منبع: World bank



پیوست ۱

متغیرهای منتخب اقتصاد ایران بین سالهای ۲۰۱۹-۲۰۱۴

۲۰۱۹ پیش بینی	۲۰۱۸ پیش بینی	۲۰۱۷ پیش بینی	۲۰۱۶ پیش بینی	۲۰۱۵ برآورد	۲۰۱۴ عملکرد	
(درصد تغییر سالانه، مگر جز این اشاره شده باشد)						بخش واقعی
۴/۲	۴/۱	۴	۶/۴	-۱/۸	۳/۰	تولید ناخالص واقعی به قیمت پایه
۴/۴	۴/۳	۴/۲	۳/۷	۳/۲	۳/۱	تولید نفت (به میلیون بشکه در روز)
۶۱/۵	۶۰	۵۵	۴۳/۰	۵۰/۸	۹۶/۲	متوسط بهای یک بشکه نفت خام به دلار آمریکا
(درصد تغییر سالانه، مگر جز این اشاره شده باشد)						پول و قیمت‌ها
۱۰/۶	۱۰/۹	۱۱/۵	۹	۱۱/۹	۱۵/۶	تورم (شاخص بهای کالاهای مصرفی)
(درصد به تولید ناخالص داخلی، مگر جز این اشاره شده باشد)						سرمایه‌گذاری و پس‌انداز
۲۶/۵	۲۵/۲	۲۴	۲۳/۲	۲۴/۶	۲۶/۲	تشکیل سرمایه ناخالص
۳۱/۱	۳۰/۸	۳۰/۵	۲۹/۷	۲۷/۳	۳۰	پس‌انداز ناخالص ملی
(درصد نسبت به تولید ناخالص داخلی، مگر جز این اشاره شده باشد)						بودجه دولت
۱۸/۸	۱۸/۲	۱۷/۵	۱۶/۳	۱۵/۶	۱۴/۶	کل درآمد دولت
۶/۱	۶/۴	۶/۶	۶/۷	۶/۹	۶/۴	درآمدهای مالیاتی
۳/۳	۳/۵	۳/۶	۳/۶	۳/۷	۳/۳	مالیات مستقیم
۲/۸	۲/۹	۳	۳	۳/۱	۳/۲	مالیات غیرمستقیم
۱۷/۶	۱۷/۹	۱۸/۱	۱۷/۷	۱۷/۵	۱۵/۸	کل مخارج دولت
۱۴/۶	۱۴/۸	۱۴/۹	۱۵	۱۵/۱	۱۳/۰	مخارج جاری
۱/۲	۰/۲	-۰/۶	-۱/۵	-۱/۹	-۱/۲	خالص استقراض/وام دهی (تراز کل)
(درصد نسبت به تولید ناخالص داخلی، مگر جز این اشاره شده باشد)						بخش خارجی
۴/۶	۵/۵	۶/۵	۶/۵	۲/۷	۳/۸	حساب جاری
۴/۲	۵/۱	۶	۶/۱	۲/۴	۳/۵	خالص صادرات
۲۷/۹	۲۷/۵	۲۶/۹	۲۵	۱۹/۷	۲۳/۱	صادرات کالاها و خدمات
۲۲/۹	۲۱/۵	۲۰	۱۸/۴	۱۷/۳	۱۹/۶	واردات کالاها و خدمات
	۱۶۶/۱	۱۴۷/۲	۱۳۴/۳	۱۲۸/۴	۱۲۶/۲	کل ذخایر بین‌المللی (میلیارد دلار)
	۲۲/۲	۲۱/۲	۲۱/۱	۲۲/۹	۱۸/۵	پوشش ذخایر برای واردات به ماه (تعداد ماه)
۳/۳	۸/۵	۱۰/۱	۸/۳	۴/۵	۵/۵	کل بدهی ناخالص خارجی (به میلیارد دلار آمریکا)
۰/۸	۲/۱	۲/۴	۲	۱/۱	۱/۳	کل بدهی ناخالص خارجی (درصد نسبت به تولید ناخالص داخلی)
یادداشت‌ها:						
۱۸۹۵۵۲۹۴	۱۶۸۲۶۸۰۴	۱۴۹۹۶۳۳۱	۱۳۱۱۹۴۳۹	۱۱۵۰۲۵۱۰	۱۱۰۳۳۶۶۶	تولید ناخالص داخلی اسمی (میلیارد ریال)

منبع: World bank